

نسخه شناسی موقوفات آستان مقدس احمد بن موسی الکاظم شاه چراغ^(ع)

(مطالعه موردی: وقف نامه میرزا حبیب الله شریفی)

محمد برکت^۱

چکیده:

مرحوم میرزا حبیب الله شریفی که از نوادگان مرحوم میر سید شریف جرجانی (متوفای ۸۱۶ قمری) است، در سال ۹۱۲ قمری املاک متعددی را خریداری و بر حضرت شاه چراغ، احمد بن موسی الکاظم علیهما السلام، وقف و تولیت آن را به پسر بزرگ خود «شاه خلیل الله» واگذار نمود. همچنین، مرحوم میرزا حبیب الله شریفی مدرسه‌ای بنام حبیبیه ساخت و املاکی را بر آن وقف نمود و تولیت مدرسه و املاک موقوف بر آن را به پسر دیگرش «شاه ابوالقاسم» واگذار نمود. بعد از شاه خلیل الله، فرزندش بدیع الزمان تولیت را تا هنگام فوت در سال ۱۱۳۵ بعهده داشته است. چون بدیع الزمان فرزند ذکور نداشته و همچنین فرزند ذکور دیگری از «شاه خلیل الله» وجود نداشته، پس از فوت بدیع الزمان درگیری بر سر تصاحب تولیت آغاز می‌شود. و هر متولی در دوره تصدی امر تولیت مدعیانی داشته است. در طول سه قرن، بخشی از تاریخ شیراز، گزارش ادعای مدعیان مذکور و استفتات ایشان از علما و استشهادهای اعیان، جهت اثبات گفتارشان بوده است.

کلمات کلیدی: حبیب الله شریفی، نسخه شناسی، موقوفات آستان مقدس.

^۱ مدیر مدرسه علمیه امام عصر (عج)

مقدمه:

مرحوم میرزا حسن فسایی در «فارسنامه ناصری» ذیل «محلّه دوم شیراز - محلّه بازار مرغ» درباره خاندان شریفی چنین می‌گوید:

«و از اشرف و اعیان این محلّه است: سلسله جلیله سادات شریفی حسینی متولی آستانه مبارکه حضرت سید میر احمد مشهور به شاه چراغ علیه السلام و این سلسله از اخفاد جناب میر سید شریف علامه جرجانی شیرازی که از غایت شهرت بی‌نیاز است از اوصاف، می‌باشند... و این سلسله جلیله شریفی تا کنون که سال به ۱۳۰۴ رسیده است، به عزت و احترام تمام در شیراز مقام داشته‌اند و بعضی به زیور علم آراسته و بعضی به مناصب دیوانی رسیده‌اند مانند:

جناب مستطاب قدوه ارباب دانش و اسوه صاحبان بینش، عالم فاضل میرزا حبیب الله شریفی شیرازی سالها به نشر علوم و مواعظ اقدام داشت و در سال ۹۰۷ در مسجد جامع شیراز، بعد از ادای خطبه، نام ائمه اثنی عشر را بگفت و چون این خبر به شاه سلطان مراد آق قوینلوی ترکمان رسید، حکم فرمود، او را زجر نموده، خانه‌اش را غارت کردند و در سال ۹۰۹ که حضرت شاه اسماعیل صاحبقران به شیراز آمد و این واقعه را شنید، زینهای او را تدارک فرمود و تولیت آستانه حضرت شاه چراغ را به او واگذاشت و جناب میرزا حبیب الله، ضیاع و عقاری از خود، وقف آن آستانه نمود و مدرسه‌ای بساخت و نام آنرا حبیبیه گذاشت، پس تولیت آستانه را به شاه خلیل الله پسر بزرگ خود داد و تولیت مدرسه را به شاه ابوالقاسم پسر دیگر خود واگذاشت و اوائل زمان افغانی، اولاد ذکور شاه خلیل الله به میرزا بدیع الزمان نام، تمام گشت و تولیت آستانه را میرزا محمدحسین صاحب اختیار شریفی که از اولاد ذکور شاه ابوالقاسم بود تصاحب نمود و تا کنون در میانه برادرزادگان اوست و از مدرسه حبیبیه هیچ خبری نیست». (ج ۲ ص ۹۴۳)

فارسنامه ناصری، نام تعدادی از متولیان را آورده و خیلی مختصر بعضی از اختلاف‌ها را گزارش کرده است. بهترین کتاب برای آشنایی با چگونگی و سیر تولیت موقوفات حضرت شاه چراغ علیه السلام «سفرنامه خاوری» تألیف سید فضل الله خاوری (متولد ۱۱۹۹ - متوفای ۱۲۶۷) است که متأسفانه اصل آن در دست نیست، اما بخشی از آن را آقای سید ابراهیم شریفی (عارف شیرازی) در کتاب «چراغ ایمان» یا «گلچین شریفی» آورده است.

آنچه در فارسنامه، سفرنامه خاوری و دیگر مدارک و کتابها گزارش شده، همواره اختلاف میان فرزندان «شاه ابوالقاسم» بوده و بجز یک مورد که در سفرنامه خاوری آمده، هیچ اختلافی میان فرزندان ذکور از

انات «شاه خلیل الله» با متولیان وقت - که همواره از فرزندان «شاه ابوالقاسم» بوده‌اند - یادی نشده است.

اما بر اساس نسخه خطی منحصر بفردی که در کتابخانه شاهچراغ علیه السلام موجود است و به شماره ۲۵۳۶ نگهداری می‌شود، از همان سال‌های اولیه پس از فوت بدیع الزمان، فرزندان ذکور از انات وی، مدعی تولیت بوده‌اند و دعوای طرح نموده و استشهادها و استفتائات متعدد تهیه نموده‌اند.

کتاب در سال ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ قمری تألیف شده و مؤلف آن ظاهراً میرزا عبدالحسین مشهور به میرزا آقا مستوفی دشتکی شیرازی فرزند میرزا بزرگ مستوفی است، که خواهرزاده مرحوم مجدالاشراف است و بر علیه دای خود نیز اقامه دعوا نموده و او را به محکمه کشانده است. مؤلف در کتاب مذکور ابتدا ثابت می‌نماید که تولیت اختصاص به فرزندان ذکور «شاه خلیل الله» دارد، اعم از ذکور یا ذکور از انات. و پس از آن رونوشت استفتاءها و استشهادیه‌های متعدد در طول چند دهه را آورده است.

سال وفات حبیب الله شریفی (واقف) و همچنین فرزندش شاه خلیل الله در دست نیست، و مدت تولیت این دو برای ما مجهول است اما نام متولیان پس از شاه خلیل الله و دوره تولیت آنان به شرح زیر است:

۱- بدیع الزمان فرزند شاه خلیل الله

وی پس از فوت پدر تا سال ۱۱۳۵ قمری متولی بلا منازع بوده است.

۲- سید محمدحسین شریفی صاحب اختیار فارس، فرزند میرزا محمدقاسم (شاه ابوالقاسم)

شریفی (از ۱۱۳۵ تا ۱۱۶۸)

پس از فوت بدیع الزمان، میرزا ابوطالب کلانتر شیراز املاک موقوفه را تصرف می‌کند، تا اینکه نادر شاه افشار به شیراز می‌آید و در سال ۱۱۴۲ حکم تولیت سید محمدحسین شریفی را صادر می‌نماید. و تا پایان عمر (سال ۱۱۶۸ قمری) متولی بوده است.

فارسنامه می‌گوید:

«میرزا ابوطالب ثانی در سال ۱۱۳۰ و اندک کلاتر دارالعلم شیراز گردید و در زمان سلطنت افغان که کارها به هرج و مرج می‌گذشت، میرزا ابوطالب کلانتر که با سادات شریفی، انباء میر سید شریف علامه جرجانی از جانب مادر نسبتی داشت، ایشلمی نمود و موقوفات آستانه حضرت شاهچراغ را از دست سادات شریفی حسینی بگرفت و مدتی در تصرف داشت و اعلیحضرت نادر شاه در سال ۱۱۴۲ از میرزا ابوطالب بازگرفته به میرزا محمدحسین شریفی حسینی واگذاشت». (ج ۲ ص ۱۰۸)

۳- سید محمدباقر شریفی فرزند سید ابوالقاسم شریفی - برادر زاده سید محمدحسین شریفی پس از فوت سید محمدحسین صاحب اختیار، تولیت به برادر زاده‌اش سید محمدباقر شریفی (متوفای ۱۲۳۲) می‌رسد. در این دوره، سید حسین دشتکی - که از فرزندان ذکور از اناث «شاه خلیل الله» بوده - مدعی و منازع سید محمدباقر شریفی بود.

سید محمدباقر شریفی با اینکه عمر طولانی داشت، اما در عمل هیچگاه تولیت را بدست نداشت. در ابتدا سید محمد خان کلانتر فارس و همشیر زاده صاحب اختیار با نفوذی که داشت نایب التولیه شد و اختیارات موقوفه را بدست گرفت و سپس تا سه نسل بعد از او نیز این امر ادامه داشت که تفصیل مطلب بدین شرح است:

الف: محمدخان کلانتر از ۱۱۶۸ تا ۱۲۰۰

ب: میرزا ابوالقاسم فرزند محمد خان کلانتر از ۱۲۰۰ تا ۱۲۳۸

ج: محمد حسین عالی فرزند محمد خان کلانتر از ۱۲۳۸ تا ۱۲۴۰

د: احمد روشن فرزند محمدحسین عالی از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۵۶

در فارسنامه ناصری نامی از سیدمحمدباقر شریفی و میرزا ابوالقاسم فرزند محمدخان کلانتر نیامده و همچنین گزارشی از نیابت تولیت یا تولیت محمدخان کلانتر نیست، فقط محمدحسین عالی و احمد روشن را متولی شاهچراغ علیه السلام معرفی کرده است.

سید محمدباقر شریفی که از همان اوایل تولیت (سال ۱۱۶۸) به نجف مهاجرت می‌کند و تا پایان عمر همانجا می‌ماند، پس از فوت محمدخان کلانتر در سال ۱۲۰۰ تولیت را به برادرش سید عبدالنبی شریفی (متوفای ۱۲۳۱) واگذار می‌کند. اما سید عبدالنبی که فردی زاهد و گوشه گیر بوده و میرزا ابوالقاسم فرزند محمدخان کلانتر نیز درصدد تصاحب مقام تولیت پدر بوده، در امور تولیت دخالت نمی‌کند.

در فارسنامه ناصری، نامی از تولیت عبدالنبی شریفی نیست.

۴- فضل الله خاوری فرزند سید عبدالنبی شریفی (از ۱۲۵۶ تا ۱۲۶۷)

سید محمدباقر شریفی پس از فوت برادرش عبدالنبی شریفی در سال ۱۲۳۱، از نجف نامه‌ای به سید فضل الله خاوری نوشته و از او درخواست می‌کند که تولیت را بعهدہ بگیرد. چون فضل الله خاوری در دربار فتحعلی شاه قاجار مشغول به خدمت بوده، شاه اجازه نمی‌دهد که وی از طهران به شیراز بیاید.

بنابراین تولیت همچنان در دست فرزندان محمدخان کلانتر می ماند تا اینکه خاوری در سال ۱۲۵۶ به شیراز می آید. وی در «تاریخ ذوالقرنین» از تألیفات خودش است می گوید:

«در سنه یکهزار و دویست و پنجاه و شش، که فرمانروایی مملکت فارس به نام نامی نواب ولیعهد دوران ناصرالدین میرزا نامزد شد، شاهنشاه آگاهش از جانب سرکار ولیعهدی نایب الایاله آن مملکت فرمود. مؤلف این روزنامهچه همایون نیز در رکاب او روانه وطن مألوف شدم و از وفور التفات حضرتش، مالک املاک موروثی اجدادی آمدم. تولیت بقعه متبرکه جناب سید امیر احمد بن امام الهمام موسی بن جعفر علیهم السلام، که موروثی آباء عظام این صدیق فرجام و سالها غصباً به دست بنی اعمام بود، از وفور التفات حضرتش به دست آمد و این حسن عدالت و انصاف، گوشزد ابناء ایام از هر بلند و پست شد». (ج ۲ ص ۱۰۶۸)

در فارسنامه ناصری، نامی از تولیت فضل الله خاوری نیست.

۵- سید ابوالقاسم راز شیرازی، فرزند سید عبدالنبی و برادر سید فضل الله خاوری (از ۱۲۶۷ تا ۱۲۸۶)

۶- سید جلال الدین محمد، مجد الاشراف فرزند راز شیرازی (از ۱۲۸۶ تا ۱۳۳۱)

فرزندان ذکور از انان «شاه خلیل الله» که همواره مدعیان اصلی تولیت بقعه حضرت شاهچراغ علیه السلام بوده اند و هیچگاه به مدعای خود نرسیده و ظاهراً حق با آنان بوده است. عبارتند از «میرزا عبدالباقی دشتکی شیرازی» و فرزندان او.

فارسنامه ناصری ذیل «محلّه هفتم - محلّه سر دزک» می گوید:

«و از اجله این سادات دشتکی شیرازی است: سلسله میرزایان دشتکی که از قدیم تا کنون در محلّه دشتک شیراز که جزء محلّه سردزک گشته، متوطن بوده و می باشد و آنها را در این زمان نیز سادات دشتکی گویند و جداعالی آنهاست:

مغفرت مآب میرزا عبدالباقی دشتکی شیرازی که دخترزاده میرزا بدیع الزمان شریفی متولی آستانه مبارکه امامزاده حضرت شاهچراغ است.

و خلف الصدق میرزا عبدالباقی حسینی دشتکی است: سیادت و نجابت اکتناه میرزا عبدالحسین دشتکی.

و خلف الصدق میرزا عبدالحسین است: اصالت و سعادت پناه میرزا سید حسین دشتکی و او را دو نفر پسر بود:

اول آنهاست سیادت و نجابت اکتناه میرزا بدیع الزمان دشتکی مستوفی دیوان اعلی و میرزای معزی الیه اول کسی است از این سلسله که در زمان دولت زندیه به منصب استیفای دیوانی برقرار گردید و او را سه نفر پسر بود:

و اول آنهاست: سیادت و اصالت اکتناه میرزا عبدالحسین مشهور به میرزا بابای دشتکی مستوفی شیرازی، مادام زندگی به لوازم شغل استیفا کوشیده، سرآمد اقران گشته، دفتر دیوانی را منقح بداشت و در سال ۱۲۵۰ به رحمت ایزدی پیوست و او را دو نفر پسر بود:

اول آنهاست: طره سیادت و غره سعادت میرزا بدیع الزمان دشتکی مستوفی شیرازی مشهور به میرزا بزرگ مستوفی، مادام عمر در عمل استیفا سرآمد اقران خود بود، اگر چه منصبش به ظاهر از وزارت کوتاه‌تر بود لیکن اغلب اوقات لوازم وزارت را انجام می‌داد و در سال ۱۲۷۷ به رحمت ایزدی پیوست و او را چهار نفر پسر است:

اول آنها: سلاله السادات میرزا هدایت مستوفی شیرازی، در اول سن شباب در شب مهتاب، دزدی به خانه‌اش آمده، بیدار گشته، دزد گریخته از دنبالش برفت و گفت ای فالانی ترا شناختم، دزد برگشت و او را بکشت و از میرزا هدایت پسری باقی مانده است: خلاصه الاشباه میرزا حیدرخان در اول سن شباب.

پسر دویم میرزا بزرگ مستوفی است: سیادت و سعادت اکتناه میرزا عبدالحسین مشهور به میرزا آقا مستوفی دشتکی شیرازی. تحصیل کمالات لایقه را نموده، در خطوط تحریر و سیاق دفتری سرآمد اهل عصر خود گشته، به منصب استیفای دیوانی برقرار است. ولادتش در سال ۱۲۶۱ اتفاق افتاد. (ج ۲ ص ۱۰۵۸)

بر اساس گزارش نسخه خطی مذکور، اولین فرد از فرزندان ذکور از اناث «میرزا بدیع الزمان شریفی» که مدعی تولیت بوده و مطالبه حق نموده، میرزا عبدالحسین دشتکی فرزند میرزا عبدالباقی دشتکی شیرازی است. وی استشهادی ممه‌ور به مهر و تأیید شصت و پنج نفر از علمای شیراز تهیه می‌نماید.

پس از وی، میرزا عبدالحسین مشهور به میرزا بابای دشتکی و پس او، میرزا بدیع الزمان دشتکی مشهور به میرزا بزرگ مستوفی و در پایان، مؤلف کتاب، میرزا عبدالحسین مشهور به میرزا آقا مستوفی دشتکی شیرازی، مدعیان تولیت بوده‌اند.

کتاب مورد گفتگو دارای اطلاعات تاریخی و تراجم بسیاری است که همگی منحصر بفرد است. امید است کتاب با تصحیح و تحقیق در اختیار دانش‌پژوهان قرار گیرد. *إن شاء الله*

منابع:

۱. فارسنامه ناصری، حاج میرزا حسن حسینی فسائی، تصحیح و تحشیه: دکتر منصور رستگار فسائی، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۸
۲. تاریخ ذوالقرنین، میرزا فضل الله شیرازی متخلص به خاوری، تصحیح و تحقیق: ناصر افشارفر، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰
۳. چراغ ایمان یا گلچین شریفی، سید ابراهیم شریفی (عارف شیرازی)، چاپ جهان نما، شیراز، ۱۳۴۴